



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۰۹/۱۰

ملک ستیز

ریشه‌های ۱۱ سپتامبر و سایه ترامپ بر آینده امنیت جهانی

بیست و پنج سال پیش، بزرگترین حادثه تروریستی تاریخ معاصر جهان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد. رویدادی که در آن تروریست‌ها ستراتیژیک‌ترین نقاط ایالات متحده آمریکا را هدف قرار دادند و جان هزاران انسان بی‌گناه را گرفتند. اما در پی آن، آمریکا جنگ‌ها و واکنش‌های را سامان داد که به کشته شدن بیش از ۳.۸ میلیون انسان، آوارگی ۳۸ میلیون نفر و گسترش درگیری‌ها در دست‌کم شش تا هفت کشور جهان انجامید.

با این همه، کمتر کسی این پرسش بنیادی را مطرح کرده است که چه عواملی زمینه‌ساز وقوع چنین حادثه‌ای شدند؟ من در اینجا پنج نکته کلیدی را مطرح می‌کنم.

نخست؛ بی‌عدالتی اجتماعی گسترده در سطح جهان:

کشورهای ثروتمند، کشورهای فقیر را زیر سلطه انحصار و هژمونی قدرت خود قرار دادند و نابرابری میان ملت‌ها و مردم به اوج خود رسید. در بسیاری از مناطق جهان، بخش بزرگی از مردم خود را از دسترسی به فرصت‌های برابر، عدالت اقتصادی و مشارکت واقعی در نظام بین‌الملل محروم می‌دیدند. این احساس تبعیض و به‌حاشیه‌راندگی، در کنار شکاف عمیق میان ثروت و فقر، به افزایش خشم و ناامیدی در برخی جوامع انجامید و در مواردی به بستری تبدیل شد که گروه‌های افراطی توانستند از آن برای جذب نیرو و مشروعیت‌بخشی به روایت‌های خود بهره ببرند.

دوم؛ گسترش رادیکالیسم بر اثر بی‌توجهی جهان به گروه‌های جهادی:

امریکا در دوران جنگ سرد تا آنجا که توانست این گروه‌ها را تقویت کرد و از آنان علیه اتحاد جماهیر شوروی بهره گرفت. اما با فروپاشی شوروی و فرو ریختن دیوار برلین، این نیروهای از کنترل خارج‌شده را بی‌پروا در جهان رها کرد. نیرو‌هایی که بعدها به «مار آستین» خود آمریکا تبدیل شدند.

سوم؛ شکست جریان چپ و خلأ ایدئولوژیک:

با شکست شوروی، جریان چپ تضعیف شد و در همان حال، لیبرالیسم غرب نیز از مدیریت و مهار نیروهای تندروی اسلامی دست کشید. در نتیجه، طیف گسترده‌ای از مخالفان غرب در قالب گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته گرد هم آمدند و این روند به تقویت تروریسم بین‌المللی انجامید.

چهارم؛ مداخله‌گرایی نظامی و حمایت از حاکمان مستبد:

سیاست خارجی غرب، به‌ویژه آمریکا، در حمایت مستمر از رژیم‌های سرکوبگر خاورمیانه و حضور نظامی مستقیم در منطقه، خشم عمیقی را در میان جوانان این جوامع برانگیخت و بستر مناسبی برای جذب نیرو توسط گروه‌های افراطی فراهم ساخت.

پنجم؛ ادبیات خشمگین و تقابل‌گرایانه و آشننگتن:

خطمشی و سخنان جورج بوش، لحنی تقابل‌جویانه و در مواردی اهانت‌آمیز نسبت به بخش‌های از جهان داشت. این ادبیات، مخالفان آمریکا را در برابر آنچه هژمونی فکری و سیاسی غرب می‌دانستند، بیش از پیش متحد و یکپارچه ساخت.

این عوامل، در کنار یکدیگر، زمینه‌ساز رویداد ۱۱ سپتامبر شدند. نتیجه‌گیری من این است که با آمدن ترامپ، هر پنج عامل یادشده به‌مراتب فریفته‌تر شده‌اند و این نگرانی وجود دارد که جهان بار دیگر در معرض حوادثی مشابه ۱۱ سپتامبر قرار گیرد. موضوعی که سزاوار بحث و ارزیابی جدی است.



لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز